

حفظ و انتقال فرهنگ دفاع مقدس

محمدعلی برزونی

عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

اصطلاح فرهنگ به عنوان فرآورده اجتماع بشری در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی تعریف‌های گوناگونی دارد و برداشت‌های وسیع و گسترده‌ای از این واژه شده است. «سیاست»، «قدرت انتقال نسلی به نسل دیگر»، «پذیرش و آموزش غیرمستقیم، غیراستدلالی و غیرمختارانه»، «عموم پسندی»، «شکل‌گیری در زمان نسبتاً طولانی»، «مهمترین ابزار حفظ جامعه» و «نیازمندی به وسایل و ابزار برای انتقال» از جمله نکاتی است که با توجه به تعریف‌های گوناگون به دست می‌آید. فرهنگ دفاع مقدس، که درگذشته مذهبی ما ریشه دارد و تجسم عینی آن در کوران انقلاب و بویژه دوران دفاع مقدس بود، مجموعه‌ای از افکار، اعتقادات، باورها، ارزشها، پسندها، علایق و دلبستگیها، روابط و عرف و عاداتی است که در جریان دفاع مقدس تجلی عینی یافت و در سه عرصه «گفتاری»، «نوشتاری» و «رفتاری» شکل گرفته است. فرهنگ دفاع مقدس برای جاودانه ماندن باید با زندگی روزمره مردم عجین، و در متن زندگی آنان جاری گردد. جاری شدن این فرهنگ در متن زندگی عموم جامعه، شیوه‌ها و ابزارهای خاص خود را می‌طلبد. برخی از راه‌های انتقال عبارتند از: ۱- هنر با زبان ویژه رمزی خود، ماندنی‌ترین وسیله حفظ و اشاعه فرهنگ است و در این عرصه، زبان فیلم و نمایشنامه خصوصاً از رادیو و تلویزیون و ... اهمیتی بسزا دارد. ۲- آموزش خصوصاً اگر از دوران تحصیل آغاز گردد. ۳- ادبیات در قالب شعر و شاعری و رمان و نویسنده‌گی از ابزار مهم تبلیغ و انتقال فرهنگ است. ۴- ابزارهای دیگر، نشریات، کتابها، روزنامه‌ها، مجلات و بطور کلی مطبوعات و انتشارات است. همه این ابزارها با القای غیرمستقیم و بعضاً مستقیم - اما با شیوه خاص - در انتقال ارزشها و فرهنگ از نسلی به نسل دیگر موفق است. «ساختن موزه‌های جنگ و آثار شهیدان و ...»، «حمایت جذبی از انتشارات و کتابهایی درباره فرهنگ دفاع مقدس»، «ایجاد مرکز تولید فیلمهای جنگی و حمایت از آن گونه فیلمها»، «ایجاد مرکز تولید موسیقی جنگ»، «برگزاری همایشها و یادواره‌ها»، «تهیه و تنظیم متون آموزش برای دوره‌های مختلف»، «ایجاد بانک اطلاعات دفاع مقدس»، «ساختن الگو» و ... بسیاری دیگر از جمله پیشنهادها برای حفظ فرهنگ ارزشمند و ارزش آفرین دفاع مقدس و انتقال آن است.

مقدمه

با دوستی از اهل علم و روحانیان در گفتگو بودم. سخن از آثار و ارزشهای انقلاب و فرهنگ دفاع مقدس به میان آمد و اینکه چگونه باید آنها را حفظ و به نسلهای بعد منتقل کنیم. به یکباره گفتم: کدام ارزشها؟! در چشمان و آهنگ صدایش حزن و اندوه و حسرتی عظیم هویدا بود.

براستی کدام ارزشها، کدام آثار و کدام فرهنگ؟ اصولاً فرهنگ چیست؟ حفظ آن چگونه است؟ انتقال آن به نسل بعد و نسلهای بعدتر به چه کیفیت است؟ وسایل و ابزار این انتقال چیست؟ ارزش چیست؟ مطلق است یا نسبی؟ ابدی است یا زمان بردار؟ چگونه فراگیر می شود؟ آیا اساساً می توان آن را تحت نظارت مستمر در آورد؟ آیا آگاهانه می توان تحت نفوذ قرار داد؟ چرا ارزشهای مناسب و جاری دوران جنگ و به تعبیر امام راحل «ره»: «دفاع مقدس» هم اکنون در دسترس نیست؟ چرا مفاهیمی که دارای بار ارزشی قوی بوده و زمانی بر اذهان بزرگ و کوچک و مرد و زن جامعه اسلامی غلبه داشت، هم اکنون سیطره خود را از دست داده است؟ چه روی داده که در عمل توفیق چندانی در انتقال فرهنگ غنی و پربار دوران دفاع مقدس و ارزشهای برآمده از آن به دست نیامده است؟ ...

اینها و بسیاری سؤالات دیگر از این دست، همیشه برای اندیشمندان، متفکران و دلسوختگان مطرح بوده و هست. آنچه امروز، من و شما را بدین همایش عظیم فراخوانده، همین سؤالات و احساس خطری است که فرهنگ پربار دفاع مقدس و ارزشهای حاصل از آن را تهدید می کند. همین احساس خطر و نگرانی بود که مقام معظم رهبری در جمع هنرمندان مسلمان و دلسوخته فرمودند: «من هم در این نگرانی که شما عنوان کردید، شریک هستم که مبادا این فرهنگ یعنی همان فرهنگ که در جنگ، میدانی برای رشد و بالندگی پیدا کرده بود از بین برود... من اعتقاد بر این است که جنگ به خودی خود موضوعیتی ندارد، اما این هشت سال جنگ، عرصه بسیار ارزشمندی بوده است برای بروز روحیه اسلامی و انقلابی و خصلتهای مسلمانی... باید در این هشت سال جنگ، آنچه که حقیقتاً در عرصه های نبرد ما وجود داشت، آنجا که روحیه و مقاومت و فداکاری همراه با اخلاص بروز کرده است جلوه پیدا کند... حالا که دیگر جنگی نداریم و نمی خواهیم هم که به دست خودمان جنگی به پا کنیم

که عرصه ظهور ارزشهای انقلاب شود. آن هشت سال جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه کند... جنگ ما نیز طرحی از همان عاشورا است و یک نمی از همان نم است. حال اگر همین نصف روز حادثه کربلا در تاریخ ما در طول هزار و چهارصد سال چنین اثری را برجا نهاده است، چرا ما فکر نکنیم که جنگ هشت ساله، می تواند برای سالهای متمادی در داخل جامعه ما منشأ اثر باشد.^۱

ارزشها و فرهنگ دفاع مقدس به عنوان بخش اجتناب ناپذیر و تأثیرگذار از تاریخ معاصر است و به تعبیر رهبر فرزانه باید ما و تاریخ ما را تغذیه کند. حفظ آثار و فرهنگ ارزشمند و ارزش آفرین این دوران افتخارآمیز در باروری فرهنگ کشور و بازسازی آن و ترسیم وضعیت مطلوب در بحران هویت کنونی جامعه ما ضرورتی مورد قبول عام و انکار ناپذیر است. اما چگونه و به چه شکل؟^۲

تعریف فرهنگ

اصطلاح «فرهنگ»^{*} به عنوان فرآورده اجتماع بشری در حوزه های مختلف علوم اجتماعی تعریفهای گونه گونی یافته و برداشتهای وسیع و گسترده ای از این واژه شده است. از آنجا که فرهنگ با انسانها سروکار دارد و انسانها هم حقیقتی تو بر تو و ضمیری لایه لایه دارند، وقتی که اصطلاح فرهنگ در مورد انسان به کار می رود احتمال توافق بر سر چند و چون فرهنگ کم می شود. تعریف ساده فرهنگ چیزی است که به زندگی ارزش حیاتی می بخشد.^۲ برخی آن را «مجموعه نگرشها و ارزشها و هنجارها»^۳ می دانند و بعضی هم آن را «مجموعه علم و هنر و معنویات یک جامعه»^۴ تلقی می کنند. برخی دیگر فرهنگ را هوایی که در آن نفس می کشیم و زندگی می کنیم تعریف می کنند و عده ای هم فائلند که «مفهوم فرهنگ اطلاق می شود بر منظومه فکری تصریح شده و یا حتی صیقل ناخورده ای که حدود و ثغور، حریم و میزان و مرزهای رفتاری را در جامعه تعریف می کند و به همان دلیل، الگوی رفتاری

خاص و همخوان با نظام ارزشی حاکم برای رفتار جمعی ارائه می‌کند.^۵ برخی معتقدند «مجموعه آداب و اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها و اعتقادات و ارزشهای یک قوم را که اولاً برخوردار از وحدت تالیفی باشند و ثانیاً اقیانوس وار آن قوم را فرا گرفته باشد و ثالثاً آدمیان غافلانه و غیر مختارانه در آن غوطه‌ور باشند، فرهنگ می‌نامند.»^۶ عده‌ای دیگر فرهنگ را مجموعه‌ای از پندارها و باورها و تلقی‌ها می‌دانند که دارای دو خصلت باشند: نسبتاً عمومی باشد و در پذیرش آنها هم بر استدلال اتکایی نباشد. به نظر عده‌ای دیگر، فرهنگ در اغلب موارد «در فرایند جامعه‌پذیری مطرح می‌شود. جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که به موجب آن ارزشها، هنجارها، آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند و در طی آن می‌توان از یک فرد معمولی یک شهروند مسئول و آگاه ساخت.»^۷

مرحوم جلال آل احمد، فرهنگ را «تحویل بار مرده‌ها به زنده‌ها»^۸ تعریف کرده است. ت. پارسونز فرهنگ را «آن الگوهایی که به رفتار و فرآورده‌های عمل بشری مربوط است و می‌تواند به ارث برسد»^۹ می‌داند و نهایتاً در کتاب «تعریفها و مفهوم فرهنگ» آمده است: «فرهنگ ... کلیت درهم تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد.»^{۱۰}

با توجه به تعریفهای مزبور و دیگر تعاریفی که از فرهنگ شده، نکات زیر شایان توجه است:

۱- ویژگی مهم فرهنگ «سیالیت» و «قدرت انتقال آن از عصری به عصر دیگر» است. نسلهای آینده وارث نسل پیشین از حیث باورهای فرهنگی هستند. اصولاً «قوم و پایداری فرهنگ با انتقال آن از نسلی به نسل دیگر صورت می‌گیرد»^{۱۱} و جاودانگی آن با جاری بودن آن در متن زندگی مردم و انتقال در نسلهای پی در پی میسر است.

۲- روش‌پذیری و نیز آموزش ارزشها و باورهای فرهنگی روش غیرمستقیم، غیراستدلالی، غیرمختارانه و به بیان دیگر القای غیرمستقیم است. مردم باید با «فرهنگ» زندگی، و در هوای آن تنفس کنند. ریشه‌پیدایی باورهای فرهنگی متفاوت و گونه‌گون است و از منشأهای مختلف می‌جوشد اما به هر حال در جهت ایجاد تعادل در زندگی و تسهیل در روند آن نقش مهمی بر عهده دارند.

۳- بیشتر مردم باید باورهای فرهنگی را پذیرفته باشند. به تعبیر دیگر عموم پسند، و میان بیشتر جامعه رایج باشد؛ چه، مفهوم فرهنگ در ارتباط با کل جامعه معنای دقیق می‌یابد. البته خرده فرهنگها که خاص گروه‌های ویژه و... است از این امر مستثنی است؛ ضمن اینکه خرده فرهنگها، دیگر به عنوان فرهنگ عمومی جامعه شناخته شده نیستند. البته این گفته بدان معنی نیست که در یک جامعه بدون توجه به سطح فرهنگی آن، گروه‌ها با فعالیتها و علایق مختلف فرهنگی تافته‌های جدا بافته‌اند؛ بر عکس فقط از طریق تداخل و اشتراک منافع و از طریق مشارکت و درک متقابل است که می‌توان همبستگی لازم را برای فرهنگ به چنگ آورد.^{۱۲} تمام اعضای یک فرهنگ به گونه‌ای تنگاتنگ، دستجمعی و مشترک عمل می‌کنند. موجودات و اشیایی که ما را احاطه کرده‌اند از همان آغاز تولد و حتی قبل از آن برای هر یک از ما ابزار و وسایل مرجع پیچیده‌ای تحت عنوان «نظام» تدارک می‌بینند: رفتارها، انگیزشها، قضاوتها و احکام تلویحی و ما همراه این نظام مرجع تغییر می‌کنیم.^{۱۳}

۴- شکل‌گیری فرهنگ به زمان نسبتاً طولانی نیاز دارد. از بین بردن برخی باورهای فرهنگی در زمان کوتاه ممکن است اما ایجاد باورهای فرهنگی تازه به صورت ریشه‌ای و عمیق در میان مردم در کوتاه زمان بسادگی امکانپذیر نیست. از سوی دیگر در هر دوران تاریخی و در میان یک ملت در یک برهه خاص، برخی باورهای فرهنگی به صورت محور عمل می‌کنند و برخی ضعیفتر که علل متفاوتی می‌تواند داشته باشد.

۵- «فرهنگها مهمترین و اصلی‌ترین وسیله و ابزار حفظ جامعه هستند چراکه عناصر مختلف اجتماع از طریق بستر فرهنگی به هم پیوند می‌خورند. اگر جامعه‌ای دچار خلأ فرهنگی شود این جامعه دیگر نخواهد توانست نظم پذیر باشد... و رفتارها قابل پیش‌بینی و قابل هدایت و برنامه ریزی نخواهد بود.»^{۱۴}

۶- انتقال و سیلان فرهنگ از نسلی به نسل دیگر نیازمند ابزار و وسایلی است تا به صورتی علمی و اصولی ترابط فرهنگی نسلهای پیشین با نسلهای پسین حاصل آید. زبان، ادبیات، آموزش، هنر، هنرمند، تبلیغات، رسانه‌ها و... از آن جمله‌اند. برخی مثل هنر و آموزش در انتقال نسل به نسل فرهنگ جامعه نقشی اساسی بر عهده دارند.

۷- نکته‌ای که هرگز نباید مورد غفلت قرار گیرد ارتباط ویژه بین فرهنگ و مذهب است.

مذهب در حیات روحی فرد و جامعه نقش مهمی دارد. برخی از صاحب‌نظران معتقدند «هیچ فرهنگی نمی‌تواند جز در رابطه با مذهب پدید شود یا گسترش یابد... خطای رایج این است که در غیاب مذهب می‌توان فرهنگ را حفظ کرد، گسترش داد و تکامل بخشید... خطای دیگر این باور داشت است که مسأله حفظ و نگهداری مذهب با مسأله حفظ و نگهداری فرهنگ همراه نیست... برای ردّ این خطا و خطای قبلی باید افق دید خود را وسیع‌تر کنیم.»^{۱۵} مذهب و فرهنگ در معنی دو چیز متفاوت از یکدیگرند. به تعبیری اگر اصطلاح فرهنگ را عام و شامل همه فعالیتها و علاقه‌مندیهای ویژه یک ملت بدانیم مذهب را نیز در بر خواهد گرفت. اما به هر حال در میان فعالیتها و علاقه‌مندیها، مذهب و آداب و رسوم دینی به معنای اعم^{۱۶} بیشترین و مهمترین اثر را دارد. دین و مذهب به عنوان کهن‌ترین و اثرگذارترین نهاد اجتماعی در تاریخ بشر است و بخش مهم و قابل توجهی از هویت بشری را تشکیل می‌دهد. «فرهنگ مذهبی» به عنوان میراثی مهم و اثرگذار در تاریخ بشری عامل پیوند دهنده هر نسل با نسل پیشین است. مذهب و سنتهای سالم و تعالی بخش مذهبی، رابط تاریخی نسل نو با نسل قدیم به شمار می‌رود. بی‌جهت نیست که «الّیت» معتقد است «فرهنگ یک ملت به مثابه تجسد مذهب آن ملت است.»^{۱۷}

۸- بطور کلی می‌توان مجموعه اندیشه‌ها، باورها، ارزشها، هنجارها، آداب و رفتاری را که در یک جامعه انسانی از همبستگی و تألیف و وحدت لازم برخوردار، و اقبال عمومی یافته، و در میان بیشتر رایج باشد، پذیرش آنها مبتنی بر استدلال نباشد و در جامعه «نظام خاص» ایجاد کرده باشد، فرهنگ دانست.

تعریف فرهنگ دفاع مقدس

«فرهنگ دفاع مقدس» و در نگاهی دقیقتر «فرهنگ برآمده از انقلاب اسلامی» و ارزشهای حاصل از آن عمدتاً در گذشته فرهنگی و مذهبی ما ریشه دارند اما تجسم عینی آن در کوران انقلاب و بویژه دوران دفاع مقدس بود.

ارزشهای اخلاقی در فطرت آدمی ریشه دارند و این عامل مهم و اساسی، بیدارکننده فطرت نهفته و خواب آلوده آدمیان و هدایتگر آن در مسیری صحیح و هدفی ارزشمند است. انقلاب اسلامی با هدف تجدید حیات اسلام، عامل بیداری فطرت در خواب و گرفتار در

طبیعت مسلمین بود. فرهنگ عمیق اسلامی فرصت بروز و ظهور یافت. از سوی دیگر تجاوز به حریم سرزمین اسلامی، زنگ خطر بود که مردم را به حفظ و حراست از پیشینه ارزشها و باورهای فرهنگی خویش وا داشت. این پیشینه عمدتاً در آموزه‌های دینی و فرهنگ اسلامی ریشه داشت.

شرایط جنگی تبلور عملی و تجلی عینی همه ارزشها بود. ارزشها در جنگ شکوفا شد و واقعیت عملی یافت. در عرصه فرهنگ دفاع مقدس، عشق و عرفان، دلاوری و مردانگی، شجاعت و حماسه، ایثارگری و از خودگذشتگی، ایمان به هدف و اطمینان به پیروزی و در یک کلمه ارزشهای اصیل اخلاقی انسانی ظهور یافت و تجلی پیدا کرد. فرهنگ دفاع مقدس مجموعه‌ای از افکار، اعتقادات، باورها، ارزشها، پندها، علایق و دلبستگیها، روابط عرف و عاداتی است که در جریان دفاع مقدس متجلی شد. عرصه‌های «گفتاری»، «نوشتاری» و «رفتاری» شکل دهنده این فرهنگ ارزشمند و ارزش آفرین، و طبعاً قابل انتقال به نسلهای بعدتر است.

آن «ارزشها»^{۱۸} و آن فرهنگ مقدس را چگونه باید حفظ کرد و به نسل آینده انتقال داد؟

راه‌های عملی حفظ و انتقال فرهنگ دفاع مقدس

چنانکه گفتیم «سیال بودن» یکی از ویژگیهای آشکار فرهنگ است. فرهنگ به گونه‌ای است که قدرت انتقال از عصری به عصر دیگر و از نسل پیشین به نسل پسین را دارد؛ اما چگونه؟ با جاری شدن آن در متن زندگی مردم. فرهنگ دفاع مقدس و ارزشهای آن برای جاودانه ماندن باید با زندگی روزمره مردم عجین، و در متن زندگی مردم جاری گردد.^{۱۹} جاری کردن این فرهنگ در متن زندگی عموم جامعه، شیوه و ابزارهای خاص خود را می‌طلبید.

در نگاهی کلی راه‌های ذیل قابل توجه است:

۱- هنر: اصولاً باید هنر را مهمترین ابزار تحول فرهنگی دانست. هنر با زبان ویژه خود، قدرت شگرفی در القای اندیشه و تفکر دارد. بهترین و رساترین وسیله تبلیغ پیام است؛ چه هنرمند با لطیفترین روش و نیکوترین وجه، اندیشه و تفکری خاص را در مخاطبان خود القا

می‌کند. زبان هنری، رساترین، گویاترین و ماندنی‌ترین زبان برای حفظ و اشاعه فرهنگ در جامعه است. به تعبیر مقام معظم رهبری «هر ایده، هر اندیشه و انقلابی که در قالب هنر ننگ‌بند ماندنی نخواهد بود»^{۲۰} اگر هنر را «کیفیت بیان و ادای یک مطلب به شکلی زیبا و ظریف و توأم با ذوق»^{۲۱} بدانیم، جاذبه، اثرگذاری و رسوخ در ذهن و دل نیز همراه آن و در پی آن خواهد بود.

هنرمندان، نقش مهم و سرنوشت‌سازی در بازنمایی و نیز بازسازی و حتی تغییر فرهنگ مردم جامعه دارند. هر هنرمند آنگاه که با تعهد و صداقت و صمیمیت همراه گردد اثرگذارتر خواهد بود. چه به تعبیر تولستوی «آنچه بیش از هر چیز سرایت هنر را افزون می‌کند شدت صمیمیت و صداقت هنرمند است. همین که بیننده یا شنونده یا خواننده احساس کند که هنرمند خود مبتلای اثری است که به وجود آورده و ... صرفاً برای اینکه در دیگران تأثیر بگذارد این حالت روحی هنرمند در دریافت‌کننده نیز سرایت می‌کند»^{۲۲} و چه زیبا گفته‌اند که سخن‌گز دل برآید لاجرم بر دل نشیند.

هنر، زبان ویژه است. وسیله مفاهمه و ارتباط است و به قولی ماندگارترین وسیله‌ها. هنر با شیوه القای غیرمستقیم خود در گسترش ارزشها و فرهنگ و تعمیق آن در جامعه، مؤثرترین وسیله‌هاست. تجربه‌های پیشینیان و فرهنگ گذشته به وسیله هنر در دسترس افراد نسل حاضر قرار می‌گیرد.

مقام معظم رهبری در سخنانی خطاب به هنرمندان متعهد و دلسوخته با احساس‌نگرانی از اینکه مبادا فرهنگ انقلاب، که در جنگ میدانی برای رشد و بالندگی یافته بود از بین برود و این اعتقاد را که باید هشت سال جنگ - که عرصه بسیار ارزشمندی برای بروز روحیه اسلامی و انقلابی بوده است - تاریخ ما را تغذیه کند و برای سالهای متعددی در داخل جامعه منشأ اثر باشد، سؤال می‌کند، «چه کسی می‌تواند این حادثه را ماندگار کند. آن کیست که می‌تواند این حادثه را آنطور که حتی چشم عادی در حضور نمی‌بیند در غیاب آن به دل انسان تفهیم کند» و بلافاصله خود پاسخ می‌دهد که «هنر این توان را دارد و از عهده این کار بر می‌آید». سپس می‌افزاید «بنده خودم شاید حوادثی را به چشم خود دیده‌ام که نگاه عادی از عهده درک آن بر نمی‌آمده است، بعد که شما هنرمندان همان حادثه را به نگارش و نمایش در می‌آورید و به

زبان قصه بیان می‌کنید و یک‌بار دیگر به بازبینی همان جاذبه می‌پردازم، تازه شروع می‌کنم به درک عمیقتر آن حادثه‌ای که خود شاهدش بوده‌ام، لذا به نظر من نقش هنرمندان مسلمان نقش فوق‌العاده برجسته‌ای است.^{۲۳}

ابزارهای هنری که بی‌شک رساترین، بلیغترین و کاری‌ترین ابزار انتقال فرهنگ است اعم از سخن گفتن، شعر سرودن، داستان نوشتن، نمایشنامه نویسی، فیلم، موسیقی و آهنگ منطبق با موازین شرع و... است. در این میان، نقش صدا و سیما به عنوان عمومی‌ترین وسیله تبلیغ و انتقال پیام اهمیت ویژه‌ای دارد.

تأثیری که فیلمهای سینمایی، چه در سینما، چه از طریق ویدیو چه در تلویزیون و نیز سریالها و نمایشهای تلویزیونی به مخاطبان عام خود در جامعه می‌گذارد انکارپذیر نیست؛ برای نمونه تأثیراتی که سریال، «سالهای دور از خانواده» و بعدها «جنگجویان کوهستان» و همینطور «روزی روزگاری»، «سلطان و شبان» و بسیاری سریالهای دیگر از ایرانی و خارجی در جامعه خصوصاً قشر جوان گذارد، زیاد بود. تعابیر و واژه‌های خاص که در سریالها به کار برده می‌شد و افتادن آن بر سر زبانها، گذاردن نامهای خاص بر محله‌ها، مغازه‌ها و حتی افراد، تشکیل گروه‌ها با نامهای خاص و... همه و همه از تأثیرات گسترده همین سریالها و فیلمهاست.^{۲۴}

امروزه رادیو و تلویزیون یکی از اصلی‌ترین ارکان هر سیستم حکومتی در جهان به شمار می‌رود به گونه‌ای که اداره و کنترل کشور بدون بهره‌گیری از آنها امکان‌ناپذیر است. بسیاری از مردم جهان، روش زندگی، طرز پوشش و حتی آداب و رسوم خود را از طریق پیامهای رادیو و تلویزیون انتخاب می‌کنند.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران چقدر توانسته است از حربه هنر در پیشبرد و گسترش فرهنگ دفاع مقدس و ارزشهای ویژه آن استفاده کند و موفق باشد؟ فیلمسازان و فیلمنامه نویسان هنرمند ما در عرصه فیلمسازی جنگ چقدر موفق به باز آفرینی هنری عرصه‌های عشق و ایمان و حماسه و عرفان جبهه‌ها بوده‌اند؟ تبلیغات فصلی رادیو و تلویزیون در هفته دفاع مقدس و برخی تاریخهای خاص مثل سوم خرداد و... چه تأثیری می‌تواند بر جو عمومی جامعه بگذارد؟ در حالی که در فرایند اثرگذاری «تکرار» و «مداومت» اجتناب‌ناپذیر

است. برنامه‌ریزیها چقدر با فضای ذهنی مخاطبان و همراه با نوآوری و ابتکار، متناسب بوده است؟ هفته دفاع مقدس و برنامه‌های ویژه آن در رادیو و تلویزیون منحصر شده است در نقل خاطرات سرداران و بسیجیان و ایثارگران. مگر جنگ صرفاً خاطره است و تجدید غمی و...؟! یادمان نرود همین خاطرات جنگ باید در قالبهای گوناگون گفتاری، نوشتاری و تصویری و خصوصاً هنری در آید تا محفوظ مانده و ماندگار شود و ضمناً اثر غیرمستقیم خود را بر مخاطبان بگذارد.

زبان هنری بویژه در قالب فیلم و نمایش و... آنقدر اثرگذار است که دشمن نیز «شیخون فرهنگی» خود را با همین ابزار آغاز کرد و روز بروز آن را شدت بخشید. برای رویارویی با این شیخون و هجوم همه جانبه برای مسخ ارزشهای فرهنگی و ملی و مذهبی، توجه عام به فرهنگ ریشه‌دار و اصیل مذهبی که در جنگ تجسم عملی یافت ضروری است. راه بارور کردن این فرهنگ و رسوخ عمیق آن در جامعه و بویژه قشر نوجوان و جوان، استفاده از رسانه‌های تبلیغاتی خصوصاً رادیو و تلویزیون و فیلم و... است و شیوه خاصی را نیز می‌طلبد. سخنرانی، نقل خاطره، تحلیلها و... خوب است اما کافی نیست و حتی بعضاً اثر معکوس در پی دارد. برخی اوقات را اختصاص دادن به برنامه‌های ویژه جنگ بدون توجه به مخاطبان و نیز زبان لازم اثرگذار برای قشرهای مختلف، چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟ این نکته نیز قابل توجه و امعان نظر است که برنامه‌های ویژه جنگ در رادیو و تلویزیون عمده‌تأ مخاطبان خاص خود را دارد که همان قشر دست‌اندرکار جنگ بوده‌اند و نه دیگران. چرا؟

رادیو و تلویزیون به عنوان عظیمترین دستگاه تبلیغاتی - آموزشی برای ایفای رسالت خود در انتقال فرهنگ مقدس جبهه باید زبان دیگری به کارگیرد که آن، زبان هنر است که از طریق فیلمها و... میسرتر است. ۲۵ مسلماً توجه جدی دست‌اندرکاران مسایل فرهنگی بویژه سینمای جنگ را در این باب می‌طلبد و سرمایه‌گذاری گسترده برای تولید فیلمهایی لازم است که معنویت و ارزشهای جنگ را همراه با هیجان صادق بر می‌انگیزاند نه فیلمهایی که هیجان کاذب ایجاد می‌کنند و نه فیلمهایی که به تقلید از الگوهای نامناسب غرب صرفاً حادثه‌ای هستند بدون اینکه پیام مشخص انسانی دارا باشند و یا آنقدر حادثه و هیجان در آن فیلمها چشمگیر باشد که اصل پیام مخدوش شود. حمایت گسترده از این قبیل فیلمسازان متعهد

ضروری است.

۲- آموزش: «آموزش فرایندی است که فرهنگ اجتماع به وسیله آن به دیگران مستقل می‌شود و از جمله ضوابطی را که امیدوار است متناسب با آن زندگی کنند».^{۲۶} هدف آموزش انتقال فرهنگ است و این هدف زمانی برآورده خواهد شد و آموزش زمانی اثر خود را خواهد گذارد که از دوران تحصیل شروع شود. «هر کار سودمند به حال فرهنگ از مدرسه آغاز می‌شود و به مدرسه برمی‌گردد... برای حل مشکل فرهنگ همین قدر بس است که مدرسه، فرهنگ را جدی بگیرد. فرهنگ و آموزش نمی‌توانند دو قطب مخالف و بی‌التفات به هم باشند».^{۲۷}

نگاهی گذرا به دستگاه‌های آموزشی کشور از دوران ابتدایی تا سطوح عالی تحصیلات نشان می‌دهد که چقدر در باز آموزی فرهنگ دفاع مقدس و ارزشها و آثار جنگ و انتقال آن تلاش شده است؛ اندک و حتی باید گفت، هیچ. کسانی که دستی در مسایل آموزشی کشور اسلامی دارند خود این نکته را بخوبی در می‌یابند. دستگاه عام آموزشی مملکت اسلامی ما - با کمال احترام به ساحت تلاشگران این عرصه و امید موفقیت تام و تمام برای آنان که پیامبران تعلیم و تربیت خلقتند - گذشته از عدم انطباق کامل با موازین فرهنگ اسلامی بویژه از حیث محتوا و متون آموزشی - که هشدارهای مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۵ را به دنبال داشت.^{۲۸} تلاش موفقی در احیای فرهنگ جبهه و انتقال آن به نسل کودک و نوجوان و جوان نداشته است. «انقلاب آموزشی» باید راه افتد و در مورد تمام مسایل آموزشی کشور تجدید نظری صورت گیرد. البته این کار همراه با بصیرت، درک موقعیت، زمانشناسی و با کار کارشناسی جدی باید باشد و الا به جای تأثیرگذاری در جهت مثبت، نتیجه سوء و منفی در بر خواهد داشت.^{۲۹}

صدا و سیما و مطبوعات و انتشارات باید آموزش عمومی را با زبان عموم و متناسب با فضای ذهنی مخاطبان جدی بگیرند. دستگاه‌های رسمی متولی آموزش کشور اعم از وزارت آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی و سایر مراکزی که به کار آموزش اشتغال دارند، باید برنامه‌ریزی و تدوین متون آموزشی را متناسب با فضای ذهنی مخاطبان خود و زبان ویژه آنها بر عهده بگیرد. سیره فرماندهان و سرداران شهید به گونه‌ای کلاسیک تهیه، و در متون

آموزشی دوره‌های مختلف گنج‌انیده شود.

البته یک نکته نیز قابل تأمل است و آن عدم تعارض برانگیز بودن^{۳۰} پیامها، و این امری است که با ساخت فرهنگی جامعه و تزریق ارزشها با ابزارهای متناسب میسر است. خانواده در درجه اول، مدرسه در درجه دوم و جامعه و محیط در درجه سوم برای رفع تعارضها بکوشند. ۳- ادبیات: ادبیات در قالب شعر و شاعری و رمان نویسی و نویسندگی و ... از ابزار مهم و مؤثر تبلیغ و انتقال فرهنگ است. تاریخ شاهان و سلاطین گویای این مطلب است که شاعران و ادیبان از جمله گرم کنندگان محافل و مجالس عیش و نوش و عشرت آنان بوده‌اند. شعر با بیان رمزی و آهنگین خود تأثیر ویژه می‌گذارد.^{۳۱} رمان و داستان کوتاه نیز ماندنی است. برای رساندن سخن حق از بهترین و مؤثرترین وسیله ابلاغ باید استفاده کرد. یکی از مهمترین امکانات زبان و ادبیات بویژه زبان شعری است.^{۳۲} تلفیق ادبیات و هنر پیامها را ماندنی‌تر می‌کند.

۴- ابزارهای دیگر: ابزارهای دیگر انتقال فرهنگ، نشریات، کتابها، روزنامه‌ها، مجلات و بطور کلی مطبوعات و انتشارات است. این ابزارها هم در آموزش عمومی جامعه مؤثرند و هم می‌توانند با توجه به مخاطبان خاص خود با استفاده از زبان ویژه مخاطبان به القای غیرمستقیم ارزشهای الهی در جامعه بپردازند.

از دیگر راه‌های القای غیرمستقیم ارزشها - که تأثیر گذارتر از القای مستقیم است - برگزاری مسابقات ادبی با موضوع جنگ و جبهه و مسابقات عکاسی، نقاشی، طراحی، گرافیک، کتابخوانی، فیلم‌سازی، نمایشنامه‌نویسی، قصه‌نویسی، هنرهای تجسمی، شعر سرایی، رمان نویسی و... در بردارنده مضامین جنگ و ارزشهای معنوی مستقیم در جنگ است.

پیشنادهایی چند برای حفظ فرهنگ دفاع مقدس

برای حفظ فرهنگ دفاع مقدس راه‌های عملی زیادی وجود دارد. پیشنهادهای زیر قابل

توجه است:

۱- ایجاد نمایشگاه‌ها و موزه‌های دائمی جنگ و دفاع به گونه‌ای که فرد با ورود در آنها

- خود را در صحنه‌های جنگ و دفاع حس کند.
- ۲- ساخت موزه‌ها و نمایشگاه‌های آثار شهیدان و ایثارگران با جمع‌آوری آثار آن عزیزان و خاطراتی که مربوط به آنان است تا هم فضا آکنده و معطر از بوی شهیدان ماند و هم ره‌نیافتگان وصال را تسلای خاطری باشد.
- ۳- حمایت جدی از انتشارات و کتابهایی که به مقوله جنگ، دفاع و فرهنگ آن پرداخته‌اند؛ از جمله هدایت پایان‌نامه‌های تحصیلی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های مختلف متناسب با موضوع جنگ و دفاع با عناوین و تحقیقاتی که در بردارنده مضامین جنگ و فرهنگ دفاع مقدس باشد.
- ۴- ایجاد مرکز تولید فیلمهای جنگی و پشتیبانی مادی و معنوی از فیلمسازان، فیلمنامه‌نویسان و تولیدکنندگان اینگونه فیلمها با این قید که تنها به دنبال سینمای حادثه‌ای و جنجالی صرف نباشند بلکه، علاوه بر آن و همراه با آن ارزشها را نیز به قالب زبان ویژه هنری در فیلم بیان کنند.
- ۵- ایجاد مرکز تولید موسیقی جنگ و دفاع از ارزشها و آثار آن
- ۶- برگزاری همایشها و یادواره‌های مستمر و توجه به پیامدها و نتایجی که بر آنها مترتب است. آثار رسیده به همایشها به گونه‌ای در دسترس عموم قرارگیرد و به نتایج حاصل از آنها توجه و عمل شود.
- ۷- تهیه و تنظیم متون آموزشی برای درج در کتابهای درسی و آموزشی در دو وزارت آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی که بیانگر ارزشهای فرهنگی دفاع مقدس باشد. در این جهت بویژه تدوین سیره عملی فرماندهان و سرداران شهید به شیوه کلاسیک و تدریس آنها در دوره‌های مختلف تحصیلی آموزش ضرورت دارد.
- ۸- ایجاد بانک اطلاعات دفاع مقدس و در صورت امکان تهیه و تدوین دایرةالمعارف جامع و کامل در زمینه جنگ و فرهنگ عام دفاع مقدس تا محل مراجعه و استفاده استناد عموم محققان و... باشد.

۹- ساختن الگو و نشان دادن آن الگوها و نمونه‌ها از طریق زبان لطیف هنری^{۳۳}
۱۰- و بسیاری دیگر...

به امید روزی که با شناخت ویژگیهای فرهنگی دفاع مقدس و آثار و ارزشهای آن و تبیین ضرورتها و اولویتهای مورد نیاز جامعه در این زمینه، روشهای مؤثر برای انتقال، گسترش و تعمیق فرهنگ حیاتبخش جبهه به کارگیری شوند. حماسه‌های جنگی به زبان هنری در آید و هرچه زیباتر به آیندگان ارائه شود. حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس و فرهنگ عام آن وظیفه آحاد ملت است و در این راستا «بسیجی عمومی» را می‌طلبند.

یادداشتها

- ۱) مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای. سخنرانی در جمع هنرمندان، تیرماه ۷۰ مصادف با عاشورای حسینی.
- ۲) تی.اس.الیوت، «درباره فرهنگ»، ترجمه حمید شاهرخ، نشر مرکز، چاپ اول ۶۹، ص ۲۷.
- ۳) و (۴) و (۵) و (۶) و (۷) تعریفها را با استفاده از «نامه فرهنگ» سال دوم. ش ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۷۰، «میزگرد فرهنگ و توسعه»، ص ۱۶ - ۷ آورده‌ام. به آنجا رجوع شود.
- ۸) حسینعلی بیهقی، پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران، ص ۱۳ به نقل از جلال آل احمد.
- ۹) همان، نقل از ت. پارسونز
- ۱۰) داریوش آشوری، «تعریفها و مفهوم فرهنگ». مرکز اسناد فرهنگی آسیا، تهران ۵۷، ص ۷۱.
- ۱۱) حسینعلی بیهقی، همان، ص ۱۴
- ۱۲) تی.اس.الیوت، همان، ص ۲۳، البته ناگفته نماند که ظهور گروه‌های بسیار با فرهنگ در جامعه به ناچار بقیه جامعه تأثیر خواهد گذارد و این خود بخشی از فرایند تغییر کل جامعه است.
- ۱۳) منظور «نظام فرهنگی» است، رک: کلودلویی اشتراوس. «قطار فرهنگها»، ترجمه دکتر هوشنگ فروخجسته منتشر شده در «نامه فرهنگ»، سال ششم، ش ۲. تابستان ۷۵، ص ۷ - ۱۵۶
- ۱۴) حسین عظیمی، «نامه فرهنگ»، ش ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۷۰، «میزگرد فرهنگ و توسعه»، ص ۱۴
- ۱۵) تی.اس.الیوت، همان، ص ۳۱-۲۸
- ۱۶) مراد ما در اینجا دین به معنای اعم است. تحقیقات باستانشناسان نشان داده است که هیچ قبیله‌ای نبوده که^{۳۴} بی‌دین مطلق باشد و گونه یا گونه‌هایی از پرستش در آن رایج نبوده باشد. آثار دین و پرستش و عبادت حتی در قبایل ابتدایی نیز به چشم می‌خورد و نشانگر این است که دین همراه و همزاد بشر بوده و هست و خواهد بود. تعبیر «انسان‌ورزه» که امروزه رایج شده نشان از این دارد که دین امری انسانی است و در عرصه آدمیان معنا و مراد می‌یابد و قرآن کریم چه زیبا و لطیف و عمیق این مطلب را که دین ریشه در ذات و سرشت آدمی وارد بیان کرده است. «فأقم وجهک للدين حنیفاً فطرة الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم» سوره روم - آیه ۳۰
- ۱۷) تی.اس.الیوت، همان، ص ۳۵
- ۱۸) ارزش به عنوان مقوله‌ای متعالی و برتر، چون چیزی بدیهی و مطلق که عالیتر کردن آن امکانپذیر، اما انکار کردنش معمولاً ناممکن است و بر افراد تحمیل می‌شود؛ رک: مبانی جامعه‌شناسی. هانری ندارس، ژرژگورویچ، ترجمه باقر پرهام، انتشارات سبیرخ، تهران، چاپ دوم ۱۳۵۷، ص ۱۶۲، بر این اساس ارزشهای دفاع مقدس می‌تواند مواردی باشد که در جریان دفاع مقدس بر افراد تحمیل شده و رفته رفته، عالی و عالیتر شده است؛ به بیان دیگر ارزشهایی هستند

که جنگ، آنها را متبلور و عینی کرده است مثل فداکاری، از خود گذشتگی، ایثار، پایداری، شجاعت، استقامت، عدالتخواهی، ظلم ستیزی آزادیخواهی، غیرت، جوانمردی و ...

۱۹) به یاد آوریم روزهای انقلاب و نیز روزهای خاطره انگیز و پرشور دفاع مقدس را که چگونه حضور و همراهی همه مردم را در جریانات شاهد بودیم. هم اکنون وقتی پیکر پاک و معطر شهیدان را می آورند حال و هوای آن روزها دوباره پیدا می شود و همین امر نشان نفوذ عمیق ارزشهای دینی و ملی در میان آحاد ملت است. مهم هدایت شور و احساسات و عواطف پاک جامعه اسلامی و مردم خوب ایران اسلامی است که به تعبیر امام راحل امتحان خود را خوب پس داده اند و حتی بهتر از امت پیامبر در صدر اسلام در صحنه ظاهر شده اند.

۲۰) مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۳/۳/۱۲

۲۱) مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۳/۱۰/۲۱

۲۲) لیف (لئون) تالستوی، «نقش دینی هنر»، ترجمه عزت الله فولادوند، منتشر شده در «فصلنامه هنر»، ش ۲۶ پاییز ۱۳۷۳، ص ۲۴

۲۳) مقام معظم رهبری، سخنرانی در جمع هنرمندان، تیرماه ۱۳۷۰ مصادف با عاشورای حسینی

۲۴) برخی از نوجوانان و جوانان با نامگذاری تعدادی از دوستان خود به اسامی «لین چان»، «لوتو»، «هوسان نیانگ» و... از قهرمانان سربال جنگجویان کوهستان و نامگذاری گروه خود به نام، «لیانگ شانپو» اقدام به هنجارشکنی در سطح مدرسه و خانه و محله کردند. اسامی مغازه مثل ساندویچ تاناکورا، آرایش اوشین، حتی تهیه پوشاک با مارک اوشین و... بسیاری دیگر از این جمله است. این تأثیر آفتدر زیاد بود که حتی یکی از بانوان الگوی خود را «اوشین» ذکر کرد. «این تلهیون؟!»

۲۵) معمولاً کشورهایی که مدتی جنگ را به خود دیده اند استفاده های فراوانی از آن می کنند. فیلمهایی که ژاپن می سازد عمدتاً با جنگ ارتباط دارد. آمریکا، ایتالیا و بسیاری دیگر از این جمله اند. دستگاه هنری تبلیغی کشور و اخیراً سیما جمهوری اسلامی ایران گامهای خوبی در این زمینه برداشته اند. امیدواریم که با درک حساسیتها و ظرفتها به رشد مطلوب و لازم در این زمینه برسیم.

۲۶) تی. اس. الیوت، همان.

۲۷) جلال ستاری «در قلمرو فرهنگ». ص ۱۰۳ به نقل از ژاک ریگو

۲۸) هشدارهای مقام معظم رهبری در سال ۷۵ درباره اسلامی شدن محتوای دروس ویژه علوم انسانی برخاسته از نگرانی عمیق معظم له از رسوخ فرهنگ وارداتی غرب و فسخ و هدم فرهنگ اصلی و ملی و مذهبی ایران است.

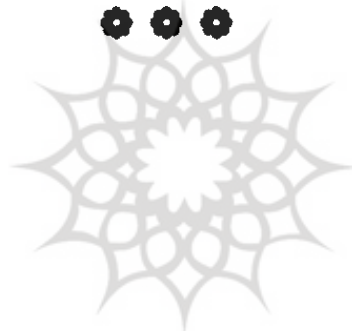
۲۹) پس از هشدارهای پیدارگرانه رهبر فرزانه انقلاب، همایشها، سمینارها، کنگره های بسیاری در تبیین بیانات معظم له برگزار شد. برخی نیز از این هشدارها برداشت سطحی کرده و به برخوردهای خطی و حذفی و بعضاً غیراصولی خود عنوان «اسلامی کردن دانشگاه ها» دادند و به گونه ای که باز رهبر اندیشمند و بصیر مجدداً تذکر پدرانهای در این خصوص دادند.

۳۰) منظور از عدم تعارض برانگیز بودن پیام این است که جو جامعه نباید به گونه ای باشد که دانش آموز بین آموخته های خود و جریان عمومی فرهنگ جامعه تناقض ببیند. این تناقض موجب آسیب رسانی جدی به یادگیری او خواهد شد. مشکل وقتی جدی تر می شود که این تناقض در خانواده و بیرون رخ بنماید.

۳۱) به یاد بیاوریم اشعار شاعران انقلابی و نیز حماسی دینی را خصوصاً وقتی از زبان عزیزی چون حاج صادق آهنگران می شنیدیم. شهای عملیات علاوه بر دعا و راز و نیاز و مناجات، اشعار زیبا و صدای گرم حاج صادق شوربخش برویجه های جبهه و جنگ بود. یاد باد آن روزگاران، یاد باد.

۳۲) یکی از زمینه های اعجاز قرآن، اعجاز بیانی و بلاغتی و فصاحتی یعنی اعجاز از جنبه ادبیات است. ذات اقدس الهی با استفاده از همان حروف، تمایز، واژه ها و کلماتی که عرب به کار می برد بهترین و مؤثرترین استفاده را برده است؛ به گونه ای که در آن زمان در اوج فصاحت و بلاغتی که عرب آن زمان به سر می برد تأثیر گذارد و هنوز نیز تأثیر خود را می گذارد.

(۳۳) آمریکا به عنوان سردمدار فرهنگ منحط غربی با ساخت الگوهایی مثل «راکی»، «آرنولد» و امثال آنها به موقیتی عظیم دست یافته است. تأثیر فراوانی که این چهره‌ها در تغییر فرهنگ جوامع دارد انکار ناپذیر است. لباسها، عکسهای خاص چهره‌های هنری و... گویای این مطلب است. استعمار و استکبار جهانی دست به شیخون فرهنگی زده و به قتل و غارت فرهنگ مشغول است و با مسخ فرهنگ جامعه در استعمار سیاسی و اقتصادی نیز موفق می‌شود؛ چه استعمار، زمینه استعمار است. به تعبیر استاد شهید مطهری «استعمار سیاسی و اقتصادی آنگاه توفیق حاصل می‌کند که در استعمار فرهنگی توفیق به دست آورده باشد». چرا از این سلاح مؤثر به گونه سالم و هدفدار استفاده نکنیم. مگر ما در جنگ کم الگو داشتیم. شهید فهمیده‌ها، شهید بابایی‌ها، شهید همت‌ها، شهید کساوه‌ها، شهید خرازی‌ها، شهید کلاهدوزها، شهید شیرودی‌ها و... بسیاری دیگر از گمنامان عرصهٔ پیکار و جنگ و دفاع و شهادت چرا الگو نباشند. مهم نحوهٔ الگو سازی است که همتی عظیم و تلاشی فراوان را می‌طلبد. قطعاً تلاشهای موجود هم قابل نفی و انکار نیستند. فیلمهایی که از زندگی سردارانی چون شهید شیرودی، شهید کشوری و برخی دیگر اخیراً به نمایش در آمده از این جمله است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی